



ساخت بناهای نترس

حاج عباس کشمیری از اول تا آخر کار ساخت میل جاده سیمان کنار اوستارضا بوده و آجر به دستش می داده است و برای همین خوب به خاطر دارد که این بنا با چه سختی و مرارتی بالا رفته و آجر روی آجر چیده شده است. او تعریف می کند: اوستا بناهایی که میل کوره می ساختند، دل و جرئت زیادی داشتند، چون باید در ارتفاع بالا بنایی می کردند. کار هر کسی نبود که مثلاً در ۵۰ یا ۶۰ متری سطح زمین بخواند به صورت منظم و دقیق آجر چینی کند. داربست فلزی هم وجود خارجی نداشت و از چوب بست استفاده می کردیم. تقریباً نمونه چوبی همین داربست های امروزی بود. صبح به صبح که بناهای اوستارضا می آمدند، ارتفاعش را برای کار آن روز تنظیم می کردند و از آن بالا می رفتند. البته از داخل خود میل کوره هم در فواصل ۳۰ سانتی متری میلگردهایی درون دیوار گذاشته می شد که کار نردبان و پله را انجام می داد و گاهی از آن هم بالا می رفتند. حاج عباس تأکید می کند، بناها تا کارشان تمام نمی شد پایین نمی آمدند و ادامه می دهد: حتی غذایشان را با خودشان می بردند آن بالا.

داستان جالب ساخت میل کوره اما مربوط است به رساندن آجر به دست اوستا بناها. حاج عباس کشمیری به خاطر می آورد که «قرقره های بزرگی را روی زمین گذاشته بودند که بعضی وقت ها دو نفری باید می چرخانند تا آجر به بالا برسد. این طور هم نبود که ۴ یا ۵ عدد آجر روی هم بگذارند. شاید یک چیزی در حدود ۲۰ تا ۳۰ آجر روی هم می چیدند و به بالا می کشیدند. آجرها را هم از حسین آباد می آوردند. خیلی از کوره هایی که اینجا بودند، موقع ساخت خودشان آجر کار را تأمین می کردند ولی برای این یکی از داخل شهر می آوردند، چون هنوز کوره اش آماده نشده بود.

حاج عباس در ادامه از عادت خاص اوستارضا در حین ساخت میل صحبت به میان می آورد و می گوید: در طول این مدتی که با هم کار می کردیم، یک بار ندیدم که بگذارند بناها بیشتر از ده رج آجر بچینند. می گفت بندکشی اش سخت می شود و کار از دست در می رود. اجازه هم نمی داد که هیچ کس غیر از خودش این کار را انجام بدهد.

میل هایی که اوستارضا ساخت و خراب شد

آن طور که حاج عباس می گوید دودکش هایی که اوستارضا می ساخته آن قدر تروتمیز و مرتب و محکم بوده که هر کسی در این محدوده قصد داشته کوره بسازد سراغ او می رفته است، چون می دیدند دودکش هایی که دیگران می سازند هنوز تمام نشده، فرو می ریزند. کشمیری با خنده می گوید: همان موقع که ما مشغول ساخت این بنا بودیم، چند کیلومتر آن طرف تر میل کوره دیگری می ساختند. تقریباً وسط های کار بودند که چشم اوستارضا به آن ها افتاد. از همان فاصله تشخیص داد دودکشی که می سازند، تمام نشده، فرو خواهد ریخت. هنوز جمله اش تمام نشده بود که دیدیم بناها و کارگرا مثل برق دارند از چوب بست پایین می آیند، پایشان که به زمین رسید دودکشی که ساخته بودند در عرض چند ثانیه خراب شد. بعدها اوستارضا را صدا زدند تا بیاید برایشان یکی بسازد.

ایمن در برابر رعد و برق

کار معماری دودکش و نقش و نگار دهانه آن که تمام می شده، معمارها برای اینکه میل کوره خراب نشود، الماس گذاری می کرده اند. حاج عباس می گوید: بالای دودکش یک میله ای شبیه صلیب است که یک سیم از آن وصل شده و تا پایین کوره آمده است و زیر زمین دفنش کرده اند. این کار را برای این انجام می دادند که وقتی رعد و برق سنگینی می خورد، برق از آن بالا به زمین بخورد و آسیبی به میل نرساند. چون اگر مستقیم به آن بر خورد می کرد، خرابش می کرد. در همین میل جاده سیمان، سیمی که از بالا کشیده اند هنوز سر جایش باقی است.

چرا دودکش ۷۰ متری؟

از حاج عباس می پرسیم که چرا این میل ها را با این ارتفاع زیاد می ساختند که پاسخمان را این گونه می دهد: کوره های آجر پزی که از این دودکش ها داشت، حفره خفیه بود و به واسطه یک قسمت راهرو مانند به میل می رسید. ۷۰-۶۰ سال پیش خبری از هواکش نبود، اگر این دودکش ها را با این ارتفاع کمتری می ساختند، اصلاً نمی توانست کار هواکش را انجام دهد. میل کوره را تا حدی بالا می بردند که هم راحت دود را از کوره به بیرون ببرد و هم اینکه از آن طرف هوای سرد را به پایین منتقل کند. از همه مهم تر بتواند دود زیادی را که از کوره بیرون می آید به دورترین نقطه ممکن ببرد نه محیط نزدیک خودش. شاید برایتان باور کردنی نباشد حرارت این کوره ها آن قدر زیاد بود که حد داشت، گاهی اوقات به جای دود از سر دودکش آتش بیرون می آمد.

خراب کردن میل ها هم اوستا می خواست

اما همان طور که ساخت این میل کوره های آجر پزی کار هر کسی نبوده و باید معمار استخوان خرد کرده و بلد کار را صدامی کردند تا بیاید و دودکشی را بسازد، برای خراب کردن آن هم باید متخصصش را می آوردند؛ کسی که کارش فقط خراب کردن میل کوره های آجر پزی بوده است. آن هم با فنی عجیب و غریب. کشمیری تعریف می کند: وقتی می خواستند این کوره ها را از بین ببرند، یک نفری را می آوردند که اوستای تخریب کوره بود. چون خراب کردن میل ها کار هر کسی نبود. خیلی ها اصلاً نمی دانستند که باید از کجا و چطور شروع کنند. شیوه تخریب میل این طور بود که پایین دودکش را از چهار طرف سوراخ می کردند. بعد یک چوب داخل آن می گذاشتند و آتش می زدند. همین که داغ می شد، دهانه هایی که ایجاد شده بود گشاده می شدند و صدای جیرینگ نشست کردن دودکش در می آمد. چند دقیقه بعد هم میل کوره مثل فرقه دور خودش می چرخید و فرو می ریخت.

سر و کله این کوره ها و دودکش های بلند از کجا پیدا شد؟ کار، کار آلمان ها است

ما ایرانی ها در طول تاریخ هر کس یا هر چیزی را که به کشورمان وارد شده است، پس از چند سال کاملاً ایزدیزه کرده ایم؛ از مغول هایی که به کشور ما لشکر کشی کردند بگیرد تا همین کوره هایی که خواستگاهشان ۴۶۳۸ کیلومتر آن طرف تر از خاک ماست. در آلمان.

جالب است بدانید که تا پیش از ورود این کوره ها به ایران، ما به شکل سنتی آجر پزی می کرده ایم. به این ترتیب که وسط کوره آتش روشن می شده و خشت های آجر را اطرافش می چیده اند تا پخته شود. در اصطلاح به این نوع کوره ها، صحرایی می گفته اند. حدود سال ۱۸۸۵ میلادی فردی به نام هافمن کار ساخت کوره های جدیدی را آغاز می کند که به خاطر ایده ناب و بکرش، در آن سال ها برنده جایزه نوآوری می شود. اصل بنای کوره هافمن بیضی شکل است و ارتفاع دودکش آن کمتر از چیزی است که اکنون در ایران وجود دارد. حتی در برخی مناطق اروپا آن را به شکل صلیب می ساخته اند اما همین که پای این کوره ها به ایران باز شده، اول از همه شکل آن از بیضی به دایره تغییر کرده تا فضای کمتری اشغال کند و بعد ارتفاع دودکش هایش بیشتر شده و قدری هم با معماری ایرانی تلفیق شده است تا این میل کوره های خارق العاده خلق شود. کوره هافمن فضایی پوشیده است با تقریباً ۲۶ اتاق. آجر پزها به این اتاق ها قمری می گویند و خشت های خام را از یک جایگاه یا درگاه خاص، در آن می چینند و درش را گل می گیرند. سپس آتش را از سوراخ هایی که روی سقف تعبیه شده به قمری ها می رسانند و بعد همه کار را می سپردند به خود کوره تا چند روز بعد آجر پخته تحویل بگیرند.

زمانی که اوستارضا آمد تا این میل را بسازد، گفت که زمین را در حدود ۱۹ متر گود کنند. وقتی به آب رسیدند، درون چاه آهک ریختند و رویش هم سنگ های بزرگی انداختند. تا چند روز کارمان همین بود که سنگ و آهک داخل این گودال بریزیم تا بی میل آماده شود